

The cultural institutionalizing function of cycles of 6-13 of the Iranian national assembly

Abstract

What occurred in west as modernization, did revolutionized societies around the world intellectually and culturally. Iranian encountered modernization and western culture around the second half of Qajar dynasty and it led to the constitutional movement and the establishment of the national assembly. Up until Rezakhan reign (1925-1941) the relations with west had its own vicissitudes. Along with modernization, the first Pahlavi was influenced by those intellectuals and modernists advocating for the "imitation theory" in which their thoughts and ideas were secular, nationalistic and modernist and accented King, Mother Country and Children. As a result, a new cultural nourishment begun to emerge. Iranian national assembly as the most essential democratic establishment could have legitimated the king's actions.

This research is based on detailed discussions in the parliaments, documents and library studies using a descriptive-analytic method to analyze the activities of the regime through parliament affirmations regarding culture making. The result of this was the confirmation of King's power and for the parliament, to be compliant in enacting cultural establishments such as University of Tehran, Persian Literature Academy, Museums, the institute for anthropology and Radio.

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،
سال پنجم، شماره ده، دی ۱۴۰۱، صص ۲۲۵-۲۰۸
<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.300449.2176>

واکاوی مجالس ششم تا دوازدهم شورای ملی در نهادسازی فرهنگی (۱۳۲۰-۱۳۰۴)

شهرزاد سلطانی لرگانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

فواد پورآرین،^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

صالح پרגاری^۳

علی ططری،^۴

چکیده

مجلس شورای ملی دستاورد جنبشی بود که به تاسی از غرب در ایران عصر قاجار شکل گرفت و تا سلطنت رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش) با فراز و نشیبی چند ادامه یافت. پهلوی اول در راستای همگامی با مدرنیته، تحت تاثیر تجددگرایان و روشنفکران عصر- که آنان نیز متأثر از نظریه همانندسازی بودند با خوانشی جدید از فرهنگ که محتوای اندیشه های آنان سکولار، ناسیونالیستی و متجددانه بود- فرهنگ سازی را به شیوه ای نو آغاز کرد. هدف این پژوهش بررسی و برآیند مجالس ۶-۱۲ شورای ملی به عنوان نهادی قانونی و دموکراتیک در امر نهادسازی فرهنگیست که مبتنی بر مشروح مذاکرات مجلس، اسناد و مطالعات کتابخانه ای با روش توصیفی - تحلیلی به فعالیت های رژیم در این راستا و از مجرای پارلمان می پردازد. در اثنای سطور این مقاله به این سوال اساسی پاسخ داده خواهد شد که چگونه مجلس با تصویب تاسیس نهادهای فرهنگی در جهت گفتمان غالب عصر مبتنی بر ناسیونالیسم و سکولاریسم گام برداشته و با تاکید بر مفاهیمی چون وطن، شاه و فرزندان در محتوای برنامه های این نهادها در جهت مشروعیت دادن به قدرت خویش بوده است. رهاورد پژوهش، اثبات قدرت مقام سلطنت و فرمایشی بودن مجالس در تصویب اوامر شخص شاه در تاسیس نهادهای فرهنگی از جمله: دانشگاه تهران، فرهنگستان زبان فارسی، موزه، موسسه مردم شناسی و رادیو در راستای تحقق گفتمان عصر است.

واژگان کلیدی: مجلس شورای ملی، فرهنگ، دانشگاه تهران، فرهنگستان زبان فارسی، موزه، موسسه مردم شناسی، رادیو.

دانشجوی دکترای دانشگاه خوارزمی^۱

دکترای تاریخ و دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی^۲

دکترای تاریخ و دانشیار دانشگاه خوارزمی^۳

دانش آموخته تاریخ^۴

موقعیت استراتژیک ایران و قرارگرفتن بر چهارراه عبور گسترده گروه های خارجی و در نتیجه آن تاثیرگذاری و تاثیرپذیری از فرهنگ های مختلف، مبانی فرهنگی ایران را متحول ساخته است. فرهنگ سنتی ایران عصر قاجار در تعامل با دنیای غرب مدرن، وارد مرحله نوینی از حیات فکری و فرهنگی خود شد. در ادامه این تغییرات، مشروطه که تمام آرمانهایش زیر پرچم دیکتاتوری رضاشاهی رنگ باخت مرحله نوینی از حیات فکری خود را آغاز نمود. فعالیت های فرهنگی عصر رضاشاه با تاکید خاص بر مبانی فکری غرب، ناسیونالیسم باستانگرا، تجددگرایی، اسلام گریزی و اسلام ستیزی پیوند یافت و هویت یابی ملی و محلی جانی دوباره گرفت. از میان مراکز متعددی که مشغول ساخت فرهنگ جدید شدند، مجلس شورای ملی مهمترین آن مراکز بود چرا که کلیه اقدامات و تصمیمات می بایست از مجرای آن عبور می کرد و جنبه قانونی می یافت.

پژوهش حاضر منحصرا به نقش مجالس ۶-۱۲ شورای ملی در امر نهادسازی فرهنگی می پردازد. اساس کار پژوهشگر مبتنی بر مشروح مذاکرات مجلس، اسناد و مطالعات کتابخانه ایست.

در ارتباط با موضوع فرهنگ در این برهه زمانی (۱۳۰۴-۱۳۲۰) کتب و مقالات چندی نگارش یافته که به شکلی گسترده به بحث فرهنگ در دو بعد عمومی و نهادسازی فرهنگی پرداخته اند. تفاوت این پژوهش با پژوهش های دیگر، تاکید بر نهادهای فرهنگی و نقش فرمایشی مجلس در پیشبرد اهداف رضاشاهی است. از جمله آن می توان آثار زیر را برشمرد:

الف: محمد علی اکبری در کتاب دولت و فرهنگ در ایران در فاصله سالهای ۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش به توصیف و تحلیل برنامه و تصمیمات دولت و سیاستگذاری های دولتی در بخش فرهنگ می پردازد. به عبارت دیگر این کتاب متکی بر قوانین و مقررات فرهنگی دولت های عصر پهلوی است. تفاوت نویسنده فوق و نگارنده این سطور، تاکید بر دو نهاد مختلف و بازه زمانی آن است. آقای اکبری فعالیت های فرهنگی را با تکیه بر دولت در خاندان پهلوی و نگارنده با تکیه بر نقش مجلس در عصر پهلوی اول کار خود را پی می گیرد.

ب: فرهنگ ستیزی در دوره رضاشاه اثر محمود دلفان شامل مجموعه ای از اسناد است که اساس نامه سازمان پرورش افکار را با توجه به موضوعات مختلف سند دسته بندی کرده است. سازمان پرورش افکار از جمله سازمان هایی بود که خارج از چارچوب مجلس به فرهنگ سازی می پرداخت. نویسنده، دولت رضاشاه و اقدامات فرهنگی او را سازمان یافته در جهت غرب می داند.

ج: عیسی صدیق در تاریخ فرهنگ ایران گزارشی از وضعیت فرهنگی ایران را در طول تاریخ، از باستان تا عصر نویسنده، از جنبه های مختلف و متعدد، در قالب طبقه بندی تاریخی - فرهنگی ارائه کرده است. از جهت گستردگی و دوره زمانی، تناسبی با مقاله حاضر ندارد، بویژه نقش مجلس در امر نهادسازی فرهنگی را نادیده گرفته است.

از میان مقالات متعدد، **نهادهای فرهنگی در حکومت رضا شاه پژوهش ویدا همراز**، نزدیکترین عنوان به مقاله حاضر است. نویسنده سالهای ۱۳۰۴-۱۳۲۰ شمسی را مهمترین و بحرانی ترین سالهای تاریخ معاصر ایران می داند زیرا تلاشهای گسترده ای برای دگرگون ساختن نهادهای فرهنگی و اجتماعی کشور صورت گرفت که در نهایت سلطه سیاسی حکومت پهلوی را تثبیت کرد. در این راستا قوانین مختلف تدوین و سازمان ها و مراکز متعددی تاسیس شد تا روند دست یابی به این هدفها را سرعت بخشد. تاکید راقم بر عملکرد مجلس شورای ملی در امر نهادسازی فرهنگی است.

حسین مسعودنیا در مقاله ای تحت عنوان **نظری بر جایگاه و نقش مجلس در زمان سلطنت رضاشاه** ضمن توضیح در باب چگونگی شکل گیری نهضت مشروطه در راستای نوسازی ساختار سیاسی، در ادامه به شکل گیری دیکتاتوری رضاشاهی می پردازد که اگر چه مجلس را حفظ کرد اما آن را به نهادی تشریفاتی مبدل ساخت. نویسنده این سطور با تاکید بر نهادهای فرهنگی، پژوهش را متمایز ساخته است.

۱. تعریف مفاهیم

الف فرهنگ

در دایره المعارف بین المللی علوم اجتماعی (International Encyclopedia) تمام تعاریف از فرهنگ در سه دسته کلی مورد توجه قرار گرفته است:

۱- تعریف های مبتنی بر سازمانها و نهادهای فرهنگی

۲- تعریف های مبتنی بر الگوهای رفتاری

۳- تعریف های مبتنی بر ساختارهای اجتماعی

در این پژوهش، تعریف مبتنی بر سازمان‌ها و نهاد‌های فرهنگی با تکیه بر مصوبات مجلس در ایران عصر پهلوی بررسی می‌گردد.^۱

ب: مجلس شورای ملی: مجمعی از نمایندگان برگزیده ملت که بر اساس اصول تفکیک قوا به منظور مشورت و تصمیم‌گیری در امور کشور و نیز تصویب قوانین و نظارت بر قوه مجریه گردهم می‌آیند.

ج: نظریه همانند سازی: بر مبنای نظریه گوردون، همانندسازی به معنای کاهش و یا نابودی تمایزات قومی-نژادی و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی که باورها و ارزش‌های گروه اکثریت را توجیه می‌کند و اهمیت بیشتری برای آن قائل است. به عبارت دیگر استحاله الگوهای فرهنگی اقلیت‌ها در خصایص فرهنگی جامعه میزبان.

۲. چالش‌ها و تنگناهای مجالس ۶-۱۲ شورای ملی

دیکتاتوری پهلوی ماحصل انحراف مشروطه از مسیر اصلی، اختلاف میان مشروطه خواهان و نفوذ گسترده غرب در ارکان مهم بود که نتیجه اش جلوگیری از هرگونه فعالیت‌های آزادمنشانه از ملت ایران شد. روشنفکران و تجددگرایان این عهد، ایجاد حکومتی مقتدر و متمرکز را، تنها راه نوسازی و پشت سر گذاشتن سالیان متمادی عقب ماندگی می‌دانستند رضا خان میرپنج با عناوین مختلف سردار سپه، وزیر جنگ و پست ریاست‌الوزاری توانست اهرم‌های قدرت را شناسایی و موقعیت خود را مستحکم کند. نحوه برگزاری انتخابات این دوره نتیجه تحولاتی بود که در فاصله بین سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۴ شمسی در ایران به وقوع پیوست. شکل‌گیری دولت مطلقه و مدرن رضاشاهی با سرکوبی تمام مظاهر و نهادهای دموکراتیک و در راس همه مجلس صورت گرفت.

انتخابات مجلس در این زمان توسط رضاشاه مدیریت می‌شد که به شکلی کاملاً نمایشی و تشریفاتی درآمد بود و این روند تا انتخابات مجلس سیزدهم ادامه داشت. سیاست دخالت در انتخابات که از مجلس چهارم شروع شد در مجالس پنجم، ششم و هفتم به اوج خود رسید. انتخابات مجلس هشتم و نهم شورای ملی به صورت علنی تحت مدیریت تیمورتاش برگزار شد و در انتخابات مجلس دهم به بعد وزارت دربار نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخابات داشت.^۲

به دنبال دخالت گسترده در امر انتخابات، مجلس در ادوار مختلف عصر پهلوی اول، از وکلای مطیع و هوادار سردار سپه انباشته بود. رژیم دیکتاتوری و مطلقه بر قوه مقننه استیلا یافت و به عبارتی آن را از ماهیت وجودی خود خارج کرد تا جایی که برای گزینش نمایندگان لیست دولتی معمول و متداول گردید.^۳

۱- صالحی امیری، ۸۶: ۱۷

۲- ططری و غلامحسین پور، ۹۷: ۱۴

۳- آژند و دیگران، ۸۷: ۵۳

عملکرد دولت پهلوی اول، در عرصه قوه مقننه منفی و به ضرر دموکراسی نوپای ایران بود. اگر چه از مجرای مجالس تحت سلطه شاه گاه قوانین بسیار سودمندی در بعد فرهنگی، حقوقی و اقتصادی تصویب شد. اما رضاشاه در عمل مجلس و قانون اساسی را از محتوای حقیقی شان تهی ساخت. صورت مذاکرات مجلس در این ادوار بسیار خلاصه شد و با مجموعه ای از نمایندگان موافق مواجه بود که اگر اعتراضی صورت می گرفت بیشتر جنبه لفظی داشت. به عبارت دیگر مجلس نیز مانند مطبوعات سانسور شد. دموکراسی و پارلماناریسم در ایران زیر پا نهاده شد. کلیدواژه «انتخابات فرمایشی» وارد ادبیات سیاسی شد و همه نمایندگان از قبل گزینش و انتخاب شده بودند. تعریفی که از دموکراسی و پارلمان در جهان وجود داشت در این نقطه نابود شد.^۴

با توجه به مطالب ذکر شده در ارتباط با ویژگی های نظام پارلمانی در عصر رضاشاه، ادامه پژوهش به بررسی و عملکرد پارلمان در ادوار مختلف در راستای تصویب قوانین مربوط به تاسیس نهادهای فرهنگی می پردازد.

۳. دانشگاه تهران

تاسیس دانشگاه نخستین بار توسط دکتر سنک نماینده ساری در تهران مطرح شد. سال ۱۳۰۷ش، علی رغم مخالفت وزیر معارف، در ملاقات محمود حسابی با شاه بحث طرح تاسیس دانشگاه به میان آمد. در نتیجه تلاش رضاشاه و مشاوران فکری او مبنی بر تاسیس این نهاد و در جهت پیشبرد اهداف مورد نظر، در ۱۵ بهمن ۱۳۱۳ش سنگ اول بنای دانشگاه به دست رضاشاه در اراضی جلالیه گذارده شد.^۵

پیش از آن تیمورتاش از عیسی صدیق که در آمریکا به سر می برد، خواست تا طرح تاسیس دانشگاه را تهیه کند. طرح او خلاصه پایان نامه اش تحت عنوان **ایران نو و نظام آموزشی آن** بود. مسیوگدار رئیس باستان شناسی و موزه، نقشه کلی دانشگاه را تهیه کرد. نکته قابل ذکر این است که دولت بنای دانشکده پزشکی را بر سایر دانشکده ها مقدم داشت.^۶

هنگامی که لایحه تاسیس دانشگاه تهران به مجلس شورای ملی ارائه شد مذاکراتی چند میان نمایندگان صورت گرفت.

کفیل وزارت معارف: اکنون موقع رسیده است که به یک چیزهایی که جزو کمال است و جزو زینت است بپردازیم. امروز بنده افتخار دارم که در تحت تأییدات و توجهات ذات ملوکانه لایحه تاسیس اونیورسیتیه یعنی دانشگاه را تقدیم مجلس شورای ملی بکنم. ملت ایران همیشه یک ملتی بوده است که در تاریخ علم دارای مقام بزرگی مخصوصا در معلومات عالییه بوده است.^۷

در ادامه بحث های مفصلی راجع به برنامه دانشگاهها، کتاب های مختلف علوم و چگونگی برگزاری امتحانات انجام شد.

کفیل وزارت معارف: در رابطه با پروگرام وزارت معارف مشغول اقدام است... در خصوص امتحانات هم امتحانات نهایی در تمام دنیا معمول و متداول است و روی مبانی علمی هم هست. و اگر بخواهیم تغییر بدهیم برخلاف قواعد علمی بوده است. ...

-مکی، ۶۴: ۳۳۶۵

-همان، ۶۶: ۲۰۰

- تکمیل همایون، ۸۵: ۸۷؛ صدیق، ۱۶: ۲۳۴۶

^۷- دوره نهم، ۱۳۱۱-۱۳۱۴: جلسه ۷۲

دکتر ملک زاده دانشگاه را مظهر مراتب علمی و دانش مملکت می داند و برای اخذ نتیجه از دانشگاهها تهیه محصل و معلم را لازم می داند.^۸

بدین ترتیب لایحه تاسیس دانشگاه با ۲۱ ماده زیر تصویب شد.^۹

ماده اول: مجلس شورای ملی به وزارت معارف اجازه می دهد موسسه ای به نام دانشگاه برای تعلیم درجات عالیه علوم و فنون و ادبیات و فلسفه در تهران تاسیس نماید.

ماده دوم: دانشگاه دارای شعب ذیل است که هر یک از آنها موسوم به دانشکده خواهد بود. علوم معقول و منقول، علوم طبیعی و ریاضی، ادبیات و فلسفه و علوم تربیتی، طب و داروسازی و دندان سازی، حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی و فنی. دانشسراهای عالی ممکن است از موسسات دانشگاه محسوب شوند و نیز ممکن است مدارس و موسسات دیگری لذی الاقتضا به دانشگاه منضم گردد.

کفیل وزارت معارف:...مختصری عرض کنم وزارت معارف توجه مخصوصی به این مدارس علوم معقول و منقول دارد و این مدارس را هم خیلی مهم می داند زیرا مطابق است با آن کمال فکری ملت ایران مال خود ملت ایران است و حس نیاکان ایرانی است از خارج نیامده است بایستی آن را نگاه داشت.

ماده سوم: رئیس دانشگاه در آغاز افتتاح بر حسب پیشنهاد وزیر معارف به فردی همایونی تعیین و بعدها بر حسب پیشنهاد شورای دانشگاه و موافقت وزیر معارف به موجب فرمان همایونی منصوب خواهد شد.

ماده چهارم: شورای دانشگاه از اشخاص ذیل تشکیل می شود: رئیس، معاون، روسای دانشکده ها لااقل یک نفر استاد به نمایندگی از هر یک از دانشکده ها.

ماده پنجم: وظایف شورای مزبور را تعیین شرایط و در محل به دانشگاه، تدوین دستور تحصیلات دانشکده ها، تعیین شرایط گرفتن و تصدیق نامه و دیپلم و ...

ماده ششم: شخصیت حقوقی دانشگاه که نمایندگی آن به عهده رئیس است و از لحاظ اداری و مالی دانشگاه مستقل و تحت مسئولیت مستقیم وزارت معارف خواهد بود.^{۱۰}

در همین دوره لایحه های چندی در باب آموزگارهای مدارس ابتدایی، قراء و قصابات و اساتیدی از جمله دکتر هاز آلمانی و دکتر بلر آمریکایی برای تدریس علوم تربیتی در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات و نیز برای تدریس تشریح از مجلس گذشت.^{۱۱}

-همان: جلسه ۸۲^{هـ}

- ساکما، ۳۷: ۳۷۹-۲۹۷

- دوره نهم، ۱۳۱۱-۱۳۱۴: جلسه ۱۰۷

- بصیرت منش، ۷۷: ۱۰۷؛ ساکما، ۳۴۶: ۲۹۷

فرهنگستان های زبان، محصول رشد و تکامل اندیشه های ملی گرایانه و شکل گیری دولت نوین در اروپا طی قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی است که منجر به پیدایش و حاکم شدن مقوله زبان ملی شد. با شکل گیری مقوله های ملت، مفاهیمی چون سرود ملی، پرچم ملی و... در سیاست و فرهنگ کشورها پدید آمد. زبان مشترک، معیار یک ملت و بخشی از روح ملی به حساب می آمد. به دنبال آن، از میان زبان های گوناگون و بعضا مختلف هر سرزمین، یک زبان به عنوان زبان ملی انتخاب و معرفی شد. در نتیجه، فرهنگستان ها یا آکادمی هایی در آن کشور شکل گرفت که در خدمت توسعه، بهبود و مطالعه زبان ملی هر کشور درآمد. در ایران عصر پهلوی به تقلید از گفتمان آلمانی (اقتدارگرایی ناسیونالیسم) که مبتنی بر اصل یک ملت یک زبان بود، زبان فارسی نیز به عنوان یکی از مهمترین سجایای اخلاق ملت ایران در سراسر کشور تقویت شد.^{۱۲}

فرهنگستان زبان ملی ایران، یکی از نمودهای جدی ملی گرایی باستان گرا در حوزه زبان و ادب بوده است. سابقه سره نویسی به عهد مغولان هند و صفویان و خلق کتاب های مجعولی چون دساتیر به قلم زرتشتیان هند برمی گردد. در عصر ناصرالدین شاه مجلسی برای لغت سازی و جلوگیری از بی نظمی در املائی کلمات تشکیل شد اما عهد مشروطه و اواخر عصر قاجار، این رویه، به یکی از دغدغه های جدی بخش عمده ای از منورالفکرهای باستانگرا تبدیل شد و میراث آن به عهد پهلوی اول رسید. در عصر رضاشاه که ملی گرایی بر تمامی اصلاحات و فعالیت های اجتماعی و فرهنگی تسلط داشت توجه به سره نویسی و پرهیز از کاربرد واژه های بیگانه خصوصا کلمات عربی و ترکی به شکل جدی تر و رسمی تری مورد توجه قرار گرفت. در نتیجه زمینه برای تشکیل یک مجمع علمی و در نهایت فرهنگستان زبان فارسی فراهم شد که وظیفه اش گزینش و ابداع واژگان فارسی به شکل صحیح بود. در سال ۱۳۱۴ شمسی، بعد از بازگشت رضاخان از سفر ترکیه، فرهنگستان زبان فارسی به ریاست محمدعلی فروغی و با ۱۶ ماده در اساسنامه آن تشکیل شد.^{۱۳}

در مشروح مذاکرات مجلس، نمایندگان، لغات اجنبی را از قشون اجنبی برتر می دانستند و تصمیم گرفتند تا دایره المعارفی حاوی لغات فرس قدیم تهیه شود و حتی علامت کارخانه ها بر روی کالاهای ساخته شده نیز به خط ایرانی باشد. (دوره هشتم، ۱۳۰۹-۱۳۱۱، جلسه ۶۰ و ۸۵). کفیل وزارت معارف بیان کرد که به حکم اجبار محتاج به یک رشته اصلاحات هستیم. مقصود این نبود که از زبان عربی یا لغات عربی اصل احتراز کنیم. هیچ وقت مملکت ایران و زبان فارسی از این واژه های عربی بی نیاز نخواهد بود و چه بسیار لغات فارسی که عرب ها از آن استفاده کرده اند مثل واژه استاد. زیرا اغلب فضلا و دانشمندانی که حامل علم و ادب بودند ایرانی بوده اند. چه عیبی دارد که ما یک لغت فارسی الاصل را که خودمان داشته ایم و بزرگان ما هم در کتبشان استعمال کرده اند ما هم آن را احیا کنیم و در موسسات جدید خودمان معمول کنیم.^{۱۴}

برقراری حاکمیت دولت مرکزی ایران بر مناطقی که زبان مردم در آنها فارسی نبود، زبان فارسی به عنوان زبان مشترک همه ایرانیان بیش از گذشته تقویت شد و زبان های محلی را جدای از آنکه ریشه ای ایرانی داشتند یا نداشتند مخل دستیابی ایرانیان به وحدت هویتی می دانستند. در آذربایجان مدارس آمریکایی، تنها دانش آموزانی را می پذیرفتند که گواهی پایان دوره شش ساله مدارس فارسی زبانان را ارائه نمایند. روشنفکران و بزرگان عصر چون تقی ارانی و احمد کسروی خواهان برون راندن زبان بیگانه ترکی از آذربایجان بودند. به کارگیری زبان فارسی سره در نوشته ها و گاه اختراع واژگان جدید که بعضا برای عموم مردم ناآشنا به نظر می رسیدند از جمله اقدامات احمد کسروی بود.^{۱۵}

در نخستین گام ۲۴ نفر عضو فرهنگستان شدند و برخی نیز به صورت عضو وابسته به عضویت فرهنگستان درآمدند. از جمله کریستین سن ایران شناس دانمارکی عضو انجمن شد. (اسناد آرشیو ملی ایران) نخستین اعضای فرهنگستان عبارت بودند از: حسن وثوق، حسین سمیعی، حسن اسفندیاری، رضازاده شفق، محمود حسابی، عیسی صدیق، علی اکبر دهخدا، سعید نفیسی، عبدالعظیم قریب، محمدتقی بهار و رشید یاسمی.

وظایف مقرر در اساسنامه فرهنگستان به ساختن واژه های جدید محدود نمی شد بلکه بر اساس ماده نهم اساسنامه فرهنگستان موظف بود برای هدایت افکار جامعه اقدامات لازم را انجام دهد.^{۱۶}

هدف این سازمان پیراستن زبان فارسی از الفاظ نامناسب خارجی، جمع آوری لغات و اصطلاحات پیشه وران و صنعت گران، اختیار الفاظ و اصطلاحات در هر رشته با سعی در اینکه حتی الامکان فارسی باشد، شناساندن کتاب های قدیم و تشویق به طبع و نشر آنها، راهنمایی برای آینده و مطالعه برای اصلاح خط فارسی و ...^{۱۷}

برای انجام وظایف، هفت کمیسیون پیش بینی شد که شامل کمیسیون لغت، خط، راهنمایی، دستور، اصطلاحات پیشه وران، اصطلاحات ولایتی بود که بعد از انحلال آن به فرمان رضاپهلوی، ۷ اردیبهشت ۱۳۱۷- فرهنگستان به ریاست وزیر فرهنگ با سازمان و کمیسیونهای جدید از جمله اصطلاحات اداری، دادگستری، جغرافیایی، فرهنگی و کمیسیون پزشکی تعیین گردید و کمیسیون های سابق به دستور زبان فارسی، فرهنگ و راهنمایی تبدیل شدند.

کمیسیون جغرافیا نام ۱۰۷ منطقه جغرافیایی را تغییر داد و نام بسیاری از شهرها به گونه ای تغییر کرد که یادآور حکومت رضاشاه باشد. عربستان به خوزستان، سلطان آباد به اراک، انزلی به پهلوی، ارومیه به رضاییه و... تغییر نام دادند. مقرر شد برای علائم و نشانه های عمومی، نام فروشگاه ها، سربرگ های اداری و تجاری و حتی کارت ویزیت، صرفا از اصطلاحات و واژه های فارسی استفاده کنند. ضمنا فرهنگستان اصطلاحات اداری و کشوری را نیز فارسی کرد. واژه ولایت به استان، والی به استاندار و ...^{۱۸}

بیزدانی، ۶:۲۲

- اکبری، ۲۹:۸۲

- ساکما، ۲۴۰:۲۸۶۰۸

- آبراهامیان، ۱۶۲:۹۳

تندروی در ابداع ساختن اصطلاحات و لغات فارسی در فرهنگستان باعث شد تا تقی زاده ضمن استعفا از فرهنگستان در مقاله ای تحت عنوان «پیام من به فرهنگستان» اقدامات آنان را مبنی بر اخراج واژگان بسیار از زبان فارسی و پایین آوردن آن به درجه زبان های اقوام کم تمدن یا دهاتی ها محکوم کند و این عمل را در واقع دورانداختن هفتاد درصد از دارایی ملت بداند. او این عمل را مانند فرستادن تمام اتومبیل های مملکت به خارج به بهانه اینکه در مملکت دیگری غیر از ایران ساخته شده تشبیه کرد که علاوه بر ضربه زدن به ثروت ملی کمکی به یگانگی ملی نمی کند.^{۱۹}

۵. انجمن آثار ملی

در مشروح مذاکرات مجلس شرح مبسوطی درباب تاسیس این انجمن، اهداف، چگونگی اداره کردن و تامین هزینه های آن انجام شد.

«انجمن آثار ملی که تحت توجهات رضا پهلوی تشکیل شد چنان که ایشان همیشه مقید بوده اند به اصل ایرانیت و به حفظ آنچه برای ترقی ایران لازم است، در این باب هم بذل توجه فرمودند. وظیفه انجمن تعمیر مقابر، آثار تاریخی، ملی و آثار کلیه اشخاص نامی و برجسته مملکت است.»

احتشام زاده: «انجمن آثار ملی از یک سلسله مردمان فاضل و باتقوا برای حفظ مآثر تاریخی برپاشده است. البته وظیفه مجلس شورای ملی این بود که کمک به آن انجمن بکند.» وزارت معارف نیز بر آن نظارت می کرد. انجمن آثار ملی هیچ جنبه دولتی نداشته و عده ای از نمایندگان با این طرح مشکل داشتند زیرا مسئولیت قرار دادن برای افرادی که حقوق نداشتند را به صلاح نمی دانستند چرا که در انجام امور خود را موظف نمی دانستند. درآمدهای این سازمان از پول خود مجلس و جزو صرفه جویی های مجلس است و هیچ مانع و محذور قانونی ندارد و دخالت وزارت معارف را الزام قانونی نمی داند.^{۲۰}

انجمن آثار ملی، فعالیت خود را در سال ۱۳۰۱ به کوشش گروهی از رجال سیاسی ایران چون پیرنیا، مستوفی الممالک، محمدعلی فروغی، تیمورتاش، ارباب کیخسرو شاهرخ، فیروزمیرزا فیروز و ... آغاز کرد. در سال ۱۳۰۲ ریاست عالی انجمن از سوی هیات موسس به سردار سپه واگذار شد. هدف انجمن، حفظ و مرمت آثار تاریخی ملت ایران با هدف درک معنویت شاهکارهای مذهبی، ملی، هنری و فرهنگی نیاکان، ایجاد محوطه های باز و گشاده در گرداگرد آثار تاریخی باستانی، تطبیق برنامه های شهرسازی با رعایت منظر و مصلحت ابنیه تاریخی شهر و نورپردازی این آثار بود. این انجمن پایه ای برای ساخت و شکل گیری سازمان باستان شناسی، موزه ایران باستان، موزه هنرهای زیبا و برخی دیگر از دستگاهها و نهادهای کوشا در شکل گیری هویت ملی نوین ایران بود. این سازمان مستقل از دولت عمل می کرد و شاید این اولین اقدام در تشویق موسسات خصوصی بود تا افراد مملکت به تناسب ذوق و نگرششان دور هم جمع شوند.

مهمترین اقدامات این انجمن در سالهای سلطنت رضاشاه برگزاری جشن و کنگره هزارمین سالگرد تولد فردوسی در سال ۱۳۱۳ ش بود.^{۲۱}

به نظر می‌رسد انجمن آثار ملی در راستای تحقق خواست دولت مطلقه مدرن و حمایت آن کوشش می‌کرده است. فردوسی بدون توجه به فرهنگ اسلامی، عربی و ترکی پس از اسلام در ایران، بر پایه اساطیر و حماسه‌های جمعی ملت قبل از اسلام، اثری خلق کرده بود که از هر نظر مطابق تبلیغات دولت مطلقه مدرن و روشنفکران ناسیونالیست بود. با استفاده از شاهنامه، فردوسی و تبلیغات گسترده، اصل یک ملت یک زبان مورد تاکید قرار گرفت و فردوسی، نماد ملت کهن ایران در حفظ زبان فارسی از گزند بیگانگان شد. بنیان‌گذاران این انجمن چهره‌های پرآوازه‌ای چون تقی زاده، تیمورتاش، مشیرالدوله، مستوفی الممالک و فرمانفرما بودند.^{۲۲}

۶. موزه

رضاشاه پهلوی پس از آنکه امتیازات حفاری برای کشف آثار باستانی که از دوره ناصری به فرانسویان اعطا شده بود را ملغی کرد، با استخدام هرتسفلد در سال ۱۳۰۶ گام موثری در ایجاد تحول باستان‌شناسی ایران برداشت. موزه یکی از اقدامات اساسی انجمن میراث ملی بود. دولت مطلقه، برای آنکه بتواند آثار و اشیای ایرانی را در محل خاصی به عنوان نماد تاریخ پرافتخار ملت ایران به نمایش بگذارد و ملت را با هویت قبل از اسلام آشنا کند، با پیشنهاد حکمت، وزیر معارف وقت در سال ۱۳۱۶ ش اقدام به تاسیس موزه ایران باستان کرد. معمار آن آندره گدار، بنا را به شکلی طراحی کرد که بیننده را به یاد طاق کسری در تیسفون پایتخت ساسانیان می‌انداخت. در ادامه، مشروح مذاکرات مجلس را در باب تاسیس موزه پی خواهیم گرفت.^{۲۳}

کفیل وزارت معارف: «یکی از قوانین نافع که از مجلس شورای ملی گذشته است قانون عتیقیات و حفاریات است زیرا مملکت ایران در طول مدت تاریخ همیشه مرکز مدنیت‌های خیلی مهم بوده و شهرهای بزرگ در هر گوشه از مملکت و هر دوره از ادوار ایجاد شده و از میان رفته است. خرابه‌هایش مانده است زیر خاک و یک ثروت مهمی از برای این مملکت باقی گذاشته است و حفاری در اینها نه تنها از نقطه نظر آثار علمی مفید است بلکه از نقطه نظر علم و تاریخ عمومی عالم موثر و مفید است.»

امتیازنامه حفاری در زمان پهلوی اول، با شروطی به دولت فرانسه داده شد. از مهمترین شروط آن می‌توان به: «انکشاف آثار عتیقه در تمام خاک ایران، خارج بودن اماکن مقدسه از قبیل مساجد، مقابر دانشمندان از این امتیاز نامه، محترم و مرعی دانستن آداب و رسوم مملکت، متعهد بودن فرانسه نسبت به تمام مخارج و هزینه‌های مربوط به آن، فراهم آوردن یک مامور دانا برای تسهیل مهمات از سوی دولت ایران، طبع و انتشار چگونگی وضعیت با اذن از دولتین، تملک ایران نسبت به اشیاء نفیسه و فروختن نصف آن با قیمت عادلانه به فرانسه و ...»

پلوشنر، ۲۰۲۶: ۳۱۰
- آبراهامیان، ۱۶۳۲: ۸۹
- موزه اسناد بهارستان، ۳۳۵: ۲۹۰

«... دولت ایران از این تاریخ به بعد ناچار برای اداره کردن این اشیاء عتیقه زیر خاکی که یکی از بزرگترین ثروت های ملی است و متخصص ندارد، باید یک نفر متخصص از خارج بخواهد. قول داده است به دولت فرانسه که یک نفر متخصص از تبعه فرانسه برای اداره کردن این کار به مدت پنج سال با تصویب مجلس استخدام نماید...»^{۲۴}

مجلس شورای ملی در اردیبهشت ۱۳۰۷ در جلسه ۲۳۵ به دولت اجازه داد که یک نفر متخصص فرانسوی که تخصص او را دولت فرانسه تصدیق نماید برای مدیریت موزه و کتابخانه و عتیقات از اول فروردین ۱۳۰۷ الی مدت ۵ سال استخدام نماید. در این ماده واحده کلیه شروط او ذکر شده است. دولت مکلف است قانونی برای حفاریات و سایر امور راجع به عتیقات تقدیم مجلس نماید و برای نظام نامه اساسی راجع به همان امور نیز باید به تصویب مجلس برسد.

ریاست کتابخانه، معارف و موزه با هرتسفلد خواهد بود و ایشان مکلف است یک کلاس شبانه در هفته لااقل سه نوبت برای آموختن السنه و حفظ زبان قدیمه ایران دایر کند.

ادامه بحث عتیقات در دوره هفتم مجلس شورای ملی در جلسه ۲۴ که در ۷ بهمن سال ۱۳۰۷ پیگیری شد. یک تأمینی برای مردم است که اگر دفینه پیدا کردند دیگر ماموران دولت معترض آنها نشوند. مطابق قانون مدنی با مردم رفتار شود.

اکتشاف مزبور در تخت جمشید از اکتشافات مهم تاریخی محسوب و صندوقها با الواح و سکه های مزبور به مرکز منتقل گردید که اکنون نیز از طرف موزه ملی ایران باستان حفظ و حراست می شود.^{۲۵}

دوره نهم مجلس شورای ملی در جلسه ۵۲ نمایندگان ضمن تجدید کتترات مدیر عتیقات موزه و کتابخانه، موضوع حفاریات و استخدام مسیو گدارا مطرح می کنند و قانون وضع شده راجع به حفاریات را بهترین قانون می دانند. ... «هر چقدر حفاری علمی بکنیم و حفار عالم داشته باشیم بهتر است و مفتشی که متوجه باشد چیزی از بین نرود و هر قدر هم وزارت معارف در این قسمت خرج کند کم نکرده است.»

در ارتباط با نقش مسیو گدارا باید افزود، در کلاس مخصوص که از طرف وزارت معارف معین می شود زبان پهلوی تدریس نماید. استخدام آندره گدار معمار و باستان شناس مشهور فرانسوی که معماری این دوران را با آمیزه ای از معماری ایران باستان و گاهی ترکیبی از معماری باستانی - اسلامی که مورد توجه رضاشاه و میهن پرستان ایرانی بود درآمیخت تا شکوه و شوکت از دست رفته ایران را با الگو گرفتن از معماری باستان بازسازی کند. آندره گدار مهمترین شخصیت خارجی هنر معماری دوره پهلوی بود که نماینده دولت فرانسه آزاد در ایران بود. از جمله شاهکارهای او می توان به موزه ایران باستان، کلاه فرنگی آرامگاه حافظ در شیراز و مدرسه ایرانشهر در یزد اشاره کرد.^{۲۶}

۷. موسسه مردم شناسی

- دوره ششم، ۱۳۰۷-۱۳۰۵: جلسه ۲۹۵۹
- مکی، ۶۴: ۳۳۳۲۳۳۴
- طاهر خانیان زارع، ۹۴: ۲۶۹

علی اصغر حکمت وزیر معارف درباره موسسه مردم شناسی در دوره یازدهم مجلس گفت: «موسسه مردم شناسی یک موسسه ای است شامل دو شعبه که یک شعبه اش نژادشناسی است و شعبه دیگر توده شناسی. اولی از نژادها و چگونگی جسمانی دسته جات بحث می نماید و دومی مطالعه و بررسی در آداب و عادات و اخلاق و حرف و صنایع و اشعار و امثال و افسانه های محلی و امثال آن بحث می نماید و مقصود از این دو شعبه شناختن طوایف و عشایر و چگونگی زندگانی آنها می باشد و در هر کشوری که در سر چهارراه های جغرافیایی واقع شده و یا محل عبور طوایف مختلف بوده است و یا اینکه اکثر ملل و طوایف مختلف در آنجا تحت یک حکومت مرکزی درآمده اند این طور موسسات ملی تشکیل شده است و در تمام کشورها و در شهرهای بزرگ که موسسه توده شناسی و مردم شناسی و موزه های مربوط به آن زیاد است اکنون در تهران نیز یک موسسه علمی مردم شناسی تاسیس شده است به همین نحو که به عرض رساندم که خصوصیات مختلف اهالی کشور و اصل نژادی و جسمانی و رسوم و عادات چه اشخاصی که در صحراها و کوهستان ها سکونت داشته اند و چه طبقاتی که در شهرها سکنی داشته اند و کسانی که شهرنشین بوده اند اینها هر کدام از حیث اخلاق و آداب یک مختصات و یک وجوه امتیازی داشته اند که نسبت به سایر طبقات ممتاز بوده اند. و حالا که در پرتو وحدت ملی و در سایه وحدت تعلیماتی و معارفی و ارتباط سریع و فوق العاده که با مرکز پیدا کرده اند آن اختلافات به کلی از میان برداشته شده است ولی از نقطه نظر مطالعات علمی لازم است که آن آثار محفوظ بمانند تا مورد تحقیق و بررسی علما و دانشمندان قرار بگیرد. هر کس که در این موزه وارد می شود خیلی تعجب می کنند که چگونه در پرتو توجهات خالصه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در یک مدت کم وحدت عمومی در کشور ایجاد شده و آن اختلافات فاحشی که سالیان دراز افراد این کشور را از هم جدا کرده بود به صورت واحد و یگانگی مطلق درآمده است. همان چیزهایی که ۱۵-۲۰ سال قبل گوش و چشم های ما به آن عادت داشت و هیچ استعجاب نداشت و می دیدیم که یک نفر لباس ترکمن پوشیده یا لباس کردی در بر نموده حالا می بینیم که تمام این افراد که عناصر خوب و میهن دوست بودند و هستند و با لباس صحیح ملی آراسته اند و تمام یک نوعی تربیت شده و یک طرز فکر دارند و مطابق یک برنامه تحصیل می کنند و همه آنها اشعارشان اشعار شاعر ملی (فردوسی) را می خوانند و یک تاریخ و یک روش و مسابقه ملی را تعقیب می کنند چگونه ممکن است تعجب نکنند که در ظرف مدت ۱۰ سال این همه تغییرات حاصل شده است و در پرتو توجهات حکیمانه همایون شاهنشاه این وحدت و یگانگی حاصل شده است.

موسسه مردم شناسی طرز لباس و زندگانی و اثاث البت و اسباب کار و صنعت و موسیقی و حتی آلات و ادوات تدخین و ... که بوده و هست را تهیه کرده است. این موسسه ضمایم مفیدی هم مثل کتابخانه و تالار خطابه برای تحقیقات علما و دانشمندان و اهل فضل دارد.^{۲۷}

آنان می خواستند این کشور کهن را با سیاستی مشابه دوران باستان، امپراتوری بزرگی نشان دهند که با اندیشه ایران گرایی، همه تیره ها و نژادها زیر فرمان دولت مرکزی در آن جای دارند.^{۲۸}

۸. رادیو

کسانی که خواهان به دست آوردن قدرت سیاسی هستند برای پذیرش خود از سوی اکثریت جامعه، لازم است تا اندیشه سیاسی خود را تبدیل به ایدئولوژی کنند تا آن اندیشه مشروع جلوه کند. در واقع ایدئولوژی برای توده ها، زمینه ذهنی و روانی ایجاد می کند تا آنان ابزاری در اختیار قدرت سیاسی شوند.

در واقع ارزش هایی که مورد حمایت دولت در جامعه شناخته می شوند توسط رسانه ها تبلیغ و ترویج می گردند و ارزش های مقابل یا مخالف آنها به عنوان ناهنجاری در جامعه شناخته می شوند. فرهنگ رسمی، افراد اجتماع را به یکدیگر هر چند به صورت ظاهر پیوند می دهد و به آنان ذهنیت جمعی می بخشد. اگر قدرت سیاسی موفق به انجام چنین مهمی گردد می تواند افراد ملت را در راه اهداف و مقاصد خود به هر گونه اقدامی مجاب سازد.

در این میان رادیو رسانه ای مهم و تاثیرگذار بوده و با وجود آنکه این رسانه هنوز در زمان رضاشاه در ایران تاسیس نشده بود اهداف و برنامه های آن در اساسنامه سازمان پرورش افکار پیش بینی شد. رادیو با جذابیت و بردی که داشت در عمومی کردن ارزش های ایدئولوژی رژیم نقش منحصر به فرد ایفا می کرد. از طرف دیگر اعتبار فرهنگ شفاهی نزد ایرانیان و کنترل و محدودیت های رادیو از جمله سانسور اهمیت آن را دوچندان می کرد.^۹ دولت مطلقه رضاشاهی در جهت تبلیغ در راستای ساخت و تقویت هویت ملی ایرانی بر اساس شاخصه های مورد نظر خویش در صدد استفاده از این نوآوری نوین برآمد. با وجود اکثریت بی سواد جمعیت ایران و عدم آموزش کافی دولتی ها در شهرهای دور از مرکز برای آموزش در زمینه هویت ملی ایرانی، رادیو می توانست ناشر افکاری باشد که بنا بود در سطور روزنامه ها و کتاب ها چاپ شود.^{۳۰}

بر خلاف مطبوعات بهره گیری از رادیو مستلزم گسترش آموزش توده ها نبود. رادیو را به واسطه پخش در سرزمین های وسیع «رسانه فرهنگ» و به دلیل استفاده تمامی گروهها و طبقات، «رسانه مردم» می خوانند که به واسطه قابلیت هایش قادر بود مخاطبان خود را هر زمان که بخواهد به تفکر و تأمل وادار کند. به همین دلیل به رسانه ای گرم مشهور شد. بیان رادیویی هیچ گونه محدودیتی از بعد مکان و زمان ندارد به همین دلیل قادر است جمعیت های بزرگ را در حوزه های وسیع جغرافیایی به هم نزدیک کند.

بیسیم در سال ۱۳۰۵ش افتتاح شد و از سال ۱۳۱۱ش موسسات آن توسعه پیدا کرد که در نهایت به تاسیس رادیو منتهی شد. هیئت وزیران روز دوم مهرماه ۱۳۱۳ش تصویب نامه ای صادر کرد که بر اساس آن ورود دستگاههای گیرنده رادیو را برای اخذ اصوات نغمات مجاز اعلام نمود. از آن پس مقرراتی وضع شد که نصب آنتن و استفاده از رادیو را مجاز به کسب اجازه از وزارت پست و تلگراف می دانست. این طرح دو هدف اصلی داشت: جلوگیری از شنیده شدن برنامه های مخالف مصالح کشور که ممکن بود از طرف دول همسایه و غیره به عمل آید و انتشار برنامه های دولتی و ملی که جانشین سخنرانی ها و موزیک های دول همسایه شود.

اولین گیرنده های رادیویی در سال ۱۳۱۴ از کمپانی های مربوط به کشورهای اتریش، آلمان، سوئیس و حتی افغانستان خریداری شد و دو سال بعد مقدمات ایجاد مرکز رادیو توسط وزارت پست و تلگراف و تلفن فراهم شد.

وظایف کمیسیون رادیو به ریاست محمود بدر در ماده یازدهم اساسنامه پرورش افکار بدین شرح مشخص شد:

تنظیم برنامه جامعی برای پخش عمومی اخبار، نطق‌ها، موسیقی و ...، آماده سازی شش ماهه مطلب برای رادیو قبل از افتتاح آن، نصب بلندگو در مکان‌های عمومی مراکز استان‌های کشور.

اخبار و گفتارهای اولیه، که از طریق خبرگزاری پارس با هدف توسعه ناسیونالیسم و پذیرش مشروعیت رژیم پهلوی تهیه می‌شد در حدود ۵۰۰ کلمه ساده، فصیح و روان بود. سرانجام در ساعت ۱۹ روز چهارشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۱۹ مصادف با روز تاجگذاری رضاخان پهلوی رادیو تهران با فشار یک دکمه به دست ولیعهد وقت محمدرضا پهلوی افتتاح شد.^{۳۱}

مراکز انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ، از تمامی استانداری‌ها و فرمانداری‌های سراسر کشور خواست نظرات و پیشنهادهای مخاطبان رادیو را به آنان منعکس و اخبار مربوط به اقدامات دولت را در راستای شناساندن خدمات دولت ملی ایران به رادیو انعکاس دهند.

هدف دولت از تشکیل رادیو را می‌توان تاثیرگذاری بر افکار عمومی ایرانیان در جهت ساخت و تقویت هویت ملی ایرانی به صورت یکسان و یکپارچه دانست. به ویژه آنکه در زمانه‌ای که اکثر ایرانیان سواد خواندن و نوشتن نداشتند و امکان بهره‌گیری از رسانه‌های مکتوب برای آنان وجود نداشت این رسانه می‌توانست اثربخشی فراوانی داشته باشد.^{۳۲} (اطلاعات ۱۱ اردیبهشت ۱۳۱۹)

۹. نتیجه‌گیری

فرهنگ مهمترین عنصر انتقال‌دهنده ایدئولوژی پهلوی به لایه‌های اجتماع و ایجاد هویت ملی بوده است. این عنصر به ابزارهایی نیاز داشت تا توده‌ها را در جهت خواسته‌های قدرت سیاسی همگام سازد.

سیاست رضاشاه و کارگزارانش پس از برقراری حکومت مرکزی در سرتاسر کشور، تاسیس نهادهای فرهنگی بود تا در قالب آنها بتوانند ایدئولوژی‌های مدنظر خود را با استفاده از این ابزارها در زندگی آحاد جامعه تسری دهند. او باستان‌گرایی و توجه به میراث فرهنگی ایران را مورد توجه قرار داد و مجلس نیز با او همسو گشت. تاسیس نهادهای مختلف فرهنگی در راستای رسیدن به این اهداف بود. این اقدامات و اصلاحات فرهنگی به منظور ایجاد هویت ملی جدید انجام می‌شدند و جوهره اصلی آن تاکید بر ناسیونالیسم بود.

علی‌رغم تصویب این نهادها از سوی مجلس شورای ملی، تحولی اساسی در ساختار و بنیادهای سیاسی-اجتماعی ایران ایجاد نشد. چرا که رابطه آمرانه بین دولت و سایر نهادهای سیاسی و عدم تعامل دولت با این بخش‌ها، طرح هویت‌سازی ملی نتوانست

تمایزات دینی، زبانی و قومی ایرانیان را به طور کامل از میان بردارد. به عبارت دیگر، میزان تاثیرگذاری نهادهای فرهنگی، آنچنان گسترده نبود چرا که برای تمام مردم ایران به علت گستردگی جغرافیایی و دور بودن از مرکز، نداشتن شرایط اقتصادی مناسب، پایبندی به اقلیت های قومی و مذهبی و نداشتن سواد خواندن و نوشتن، امکان استفاده از این ابزارها و موسسات وجود نداشت.

از سوی دیگر نقایصی که در این نهادها وجود داشت، مانع اصلی اثرگذاری مورد نظر دولت مطلقه مدرن بود. برای مثال در فرهنگستان، پیش از آن که اصول و قواعد زبان را برقرار کنند و دستور کلی آن را بنویسند به انتخاب کلمات دست می زدند. کار به جایی کشید که صاحبان سخن نیز از آن دوری جستند. فرج الله بهرامی (دبیر اعظم) نوشت: نویسندگان ما که جمال لغت و زیبایی کلام را از سعدی و حافظ به میراث دارند اگر در نوشته های خود از استعمال بعضی از لغات فرهنگستان خودداری نمایند پشیمان نخواهند شد. (آرین پور: ۳/۱۳۷۴ : ۲۰-۲۱) در نتیجه فرهنگستان از منظوری که داشت دور می افتاد.

از سوی دیگر برخی از لغاتی که به حق مورد اعتراض بود تجویز و رواج داده شد و موارد استعمال لغات هم به درستی و با مثال و شواهد روشن نشده بود. نتیجه آن شد که هر کس، لغات را چنان که خود فهمیده بود در نامه های خصوصی و اداری به کار برد.

نهاد دیگر که در ارتباط با ساخت و مرمت آثار و بناهای باستانی چون مقبره فردوسی تاسیس شده بود گمان می رفت که رژیم در تلاش است با ساخت آرامگاه برای مشاهیر، زیارت گاه دیگری در برابر حرم امام رضا ایجاد کند.

نهاد رادیو می توانست اثربخشی فراوانی داشته باشد. اما میزان تاثیرگذاری آنچنان گسترده نبود چرا که بسیاری از ایرانیان قدرت خرید دستگاه رادیو را نداشتند و همچنین پوشش رادیو در سراسر کشور به ویژه مناطق دور از مرکز هنوز به صورت کامل برقرار نبود.

علی رغم تاسیس نهادهای فرهنگی که انتظار می رفت برنامه های رضاشاه را جامه عمل بپوشاند شاهد تحولات اساسی و شگرفی در امر فرهنگ نبوده ایم چرا که به زیرساخت های آن به قدر کفایت توجه نشد.

Abstract

The cultural institutionalizing function of cycles of 6-12 of the Iranian national assembly

What occurred in west as modernization, did revolutionized societies around the world intellectually and culturally. Iranian encountered modernization and western culture around the second half of Qajar dynasty and it led to the constitutional movement and the establishment of the national assembly. Up until Rezakhan reign (1925-1941) the relations with west had its own

vicissitudes. Along with modernization, the first Pahlavi was influenced by those intellectuals and modernists advocating for the "imitation theory" in which their thoughts and ideas were secular, nationalistic and modernist and accented King, Mother Country and Children. As a result, a new cultural nourishment begun to emerge. Iranian national assembly as the most essential democratic establishment could have legitimated the king's actions.

This research is based on detailed discussions in the parliaments, documents and library studies using a descriptive- analytic method to analyze the activities of the regime through parliament affirmations regarding culture making. The result of this was the confirmation of King's power and for the parliament, to be compliant in enacting cultural establishments such as University of Tehran, Persian Literature Academy, Museums, the institute for anthropology and Radio.

۱۰. فهرست منابع

کتاب ها

- آبراهامیان، یرواند. مقالاتی در باب جامعه شناسی ایران. ترجمه سهیلا ترابی. تهران: نشر پردیس دانش، چاپ سوم. ۱۳۹۳
- اکبری، محمدعلی. دولت و فرهنگ در ایران ۱۳۰۴-۱۳۲۰. تهران: موسسه انتشاراتی روزنامه ایران، چاپ سیم‌رغ. ۱۳۸۲
- بصیرت منش، حمید. علما و ژیم رضاشاه، نظری بر عملکرد سیاسی، فرهنگی روحانیون در سالهای ۱۳۰۵-۱۳۲۰. نشر عروج. ۱۳۷۷
- بلوش، ویپرت فون. سفرنامه. ترجمه کیکاووس جهاننداری: تهران. ۱۳۶۹
- بیگللو، رضا. تحولات باستان گرایی در تاریخ معاصر ایران. تهران: نشر مرکز. ۱۳۸۰
- تکمیل همایون، ناصر. آموزش و پرورش در ایران. دفتر پژوهش های فرهنگی. ۱۳۸۵
- ططری، علی و غلامحسین پور، زهرا. فهرست اسناد کتابخانه مجلس شورای ملی ادوار ششم تا سیزدهم، جلد ۵ دفتر ۲. ۱۳۹۷
- صالحی امیری، سید رضا. مفاهیم و نظریه های فرهنگی. تهران: انتشارات ققنوس. ۱۳۸۶
- صدیق اعلم، عیسی. تاریخ مختصر تعلیم و تربیت. ۱۳۱۶
- صفایی، ابراهیم. رهبران مشروطه. تهران: جاویدان. چاپ دوم. ۱۳۶۳
- زمینه های اجتماعی کودتای ۱۲۹۹. شرکت افست: شورای عالی فرهنگ و هنر. ۱۳۵۶
- بنیادهای ملی در شهریاری رضاشاه: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر. ۱۳۵۳
- رضاشاه کبیر و تحولات فرهنگی ایران. انتشارات وزارت فرهنگ و هنر. ۱۳۵۳

- فرمانفرمائیان، منوچهر. خون و نفت. ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس. ۱۳۷۷

- کرونین، استفانی. رضاشاه و شکل گیری ایران نوین. ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: نشر جامی. ۱۳۹۳

- متین دفتری، احمد. خاطرات یک نخست وزیر. به کوشش باقر عاقلی. تهران. ۱۳۷۱

- مکی، حسین. تاریخ بیست ساله. تهران: انتشارات ایران، چاپ دوم، جلد ۵ و ۶. ۱۳۶۴

- یزدانی، سهراب. کسروی و مشروطه. چاپ چهارم، نشر نی. ۱۳۹۵

- مشروح مذاکرات مجلس دوره ششم تا پایان دوازدهم

- دوره ششم مجلس شورای ملی، ۱۳۰۵-۱۳۰۷، جلسه ۲۳۵-۱۵۹-۱۳۱-۱۲۵-۱۲۱-۱۱۵

- دوره هفتم مجلس شورای ملی، ۱۳۰۷-۱۳۰۹، جلسه ۱۶۴-۲۴

- دوره هشتم مجلس شورای ملی، ۱۳۰۹-۱۳۱۱، جلسات ۸۵-۶۰

- دوره نهم مجلس شورای ملی، ۱۳۱۱-۱۳۱۴، جلسات ۵۲-۷۱-۷۲-۸۲-۱۰۷-۱۱۶

- دوره یازدهم مجلس شورای ملی، ۱۳۱۶-۱۳۱۸، جلسه ۱۸

- اسناد آرشیو ملی ایران

- ساکما، ۲۴۰-۲۸۶۰۸

- ۲۹۷-۳۴۶۰۵.....

- ۲۹۷-۳۷۰۳۸.....

- روزنامه ها

- اطلاعات، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۱۹

- نوبهار س ۱۳ ش ۱۱ سال ۱۳۰۱

- آینده س ۱ ش ۲ مرداد ۱۳۰۴

- آینده س ۱ ش ۱ تیر ۱۳۰۴

- مقالات

- اسناد بهارستان، فصلنامه علمی تخصصی در حوزه اسناد، مقالات دومین نشست تخصصی تاریخ مجلس، ضمیمه سال اول، شماره سوم، پاییز ۹۰
- حاج رجبعلی، نجمه، تاریخ تحولات اجتماعی رادیو در ایران، ماهنامه علمی - تخصصی صدای جمهوری اسلامی ایران، سال ۸، شماره ۴۷
- دیلمی معزی، امیر، هویت سازی ملی در عصر رضاشاه، روش ها و ابزارها، پژوهش نامه تاریخ، سال سوم، شماره دهم
- طاهرخانیان، سهیل، نقش مجلس شورای ملی در سیاست خارجی ایران در ادوار نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم، پایان نامه، ۱۳۹۴
- طرفداری، علی محمد، ملی گرایی، سره نویسی و شکل گیری فرهنگستان زبان فارسی در دوره پهلوی اول، فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیستم، دفتر اول، بهار ۱۳۸۱
- گیتی، کاوه، اجمالی بر تاریخچه رادیو در ایران ۱۳۱۹-۱۳۸۷، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۸، آبان ۸۷
- همراز، ویدا، نهادهای فرهنگی در حکومت رضاشاه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تاریخ معاصر ایران، س ۱، شماره ۱، بهار ۷۶